

## عاملان زورگیری خشن

### از زن کرمانشاهی به دام افتادند

**گروه حوادث /** عاملان زورگیری خشن از بانوی کرمانشاهی که انتشار تصویر و فیلم آن در فضای مجازی واکنش‌های زیادی به همراه داشت، توسط پلیس کرمانشاه دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، پس از انتشار کلیپی از زورگیری خشن در یکی از محلات شهر کرمانشاه که در تاریخ ۱۱ آذرماه رخ داد، رسیدگی فوری به موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت و در همین راستا، مأموران پلیس آگاهی با تحقیقات گسترده موفق به شناسایی مخفیگاه زورگیران خشن در استان‌های مرکزی و شمالی کشور شدند و تیم‌هایی از پلیس آگاهی استان با کسب نیابت قضایی و هماهنگی با پلیس استان‌های یاد شده عازم شهرهای محل اختفای زورگیران شده و در عملیات‌هایی حساب شده هر ۳ متهم پرونده را دستگیر کردند.

سردار علی اکبر جاویدان فرمانده انتظامی استان کرمانشاه، در این باره گفت: در بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد خودرویی که متهمان از آن برای زورگیری استفاده کردند، متعلق



به یکی از آنها بوده و پلاکش نیز سرقتی بوده است. در بازرسی‌های صورت گرفته از مخفیگاه زورگیران، یک قبضه سلاح کمری و تعدادی مهمات کشف و ضبط شد.

## تعرض و سرقت

### به بهانه استخدام پرستار خانگی

**گروه حوادث /** تصویر فراتش فریدونی لشکریانی، متهم به سرقت به عنف و تعرض به بانوان جهت شناسایی منتشر شد. چهره تصویر این شخص متهم به سرقت به عنف و تعرض به بانوان در راستای اجرای بند «ب» ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری جهت شناسایی شکات به دستور مقام قضایی منتشر شده است. در متن دستور قضایی آمده است: فراتش فریدونی لشکریانی فرزند فرزاد (صاحب تصویر) متهم است به سرقت به عنف و مزاحمت و تعرض به بانوان؛ بدین شرح که نامبرده با انتشار آگهی مبنی بر استخدام پرستار خانم در سایت‌های آگهی و هدایت بانوان به محل‌های مورد نظر و همچنین با به دام انداختن بانوان در محل‌های خلوت و کم رفت و آمد اقدام به تعرض به آنان کرده و اموال و اشیای قیمتی آنها از جمله دستگاہ تلفن همراه، طلاها و زیورآلات آنها را سرقت می‌کرده است فی الحال نامبرده دستگیر شده و پرونده وی در شعبه ۱۶ بازپرسی (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳ کرج) در حال رسیدگی است چنانچه افرادی توسط این فرد مورد تعرض و سرقت واقع شده‌اند به آن شعبه یا به پلیس آگاهی استان البرز مراجعه و طرح شکایت کنند.



### سقوط کودک مینابی به چاه



**گروه حوادث /** پسر بچه چهارساله مینابی هنگام بازی در کنار مادرش به درون گودال فاضلاب سقوط کرد. این کودک چهارساله ساکن شهرک مهرقلعه میناب گفت: روزی شب در حوالی منزل خود مشغول بازی بود که به یک‌باره به داخل گودال فاضلاب سقوط کرد که با تلاش مأموران آتش‌نشانی نجات یافت و به بیمارستان منتقل شد.

به گفته ساکنین شهرک مهرقلعه، چاه‌های حفر شده متعلق به شرکت آب و فاضلاب است که برای راه‌اندازی طرح فاضلاب شهری ایجاد شده و درب‌های آن به سرقت رفته است و بعد از آن هیچ‌گونه محافظی ندارد.

## مرگ مشکوک نخبه شیرازی در آلمان



**گروه حوادث/** حمید کاظمی رودبالی، دانشجوی دوره دکترا که به گفته خانواده‌اش به طرز مشکوکی در آلمان فوت کرده است، در شیراز تشییع و به خاک سپرده شد. به گزارش ایسنا، جسد این جوان ۳۰ ساله ایرانی که در دوره دکتری رشته چگال مغز و اعصاب در دانشگاه استرابوک کشور آلمان مشغول به تحصیل بود، با پیگیری خانواده و دوستانش، توسط پلیس در خانه‌اش کشف شده است. برادر حمید کاظمی گفت: روزی که برادرم دیگر به تلفنش پاسخ نداد، با خواهرم تلفنی گفت‌وگوی کوتاهی داشته و قرار بوده ساعتی بعد با یکدیگر مکالمه داشته باشند. برادرم استاد دانشگاه بود و ۱۴۰ دانشجو داشت. او خوش‌برخورد بود و تمام وقت خود را پژوهش کرده بود و به هیچ‌کسی اختلافی نداشت. البته ما شکایت‌مان را تقدیم دادگاه شیراز کرده‌ایم. سفارت هم اعلام کرده که مرگ مشکوک است. پزشکی قانونی تهران هم کالبدشکافی کرده اما هنوز نتیجه را اعلام نکرده است. پلیس آلمان در خانه‌ای را که برادرم در آنجا ساکن بوده پلمب کرده و منتظر اقدام ما از طریق سفارت آلمان در ایران هستند.

**گروه حوادث /** نوه ناخلف که وسوسه سرقت تابلوفرش نفیس خانه مادر بزرگ به جانش افتاده بود، با جست‌وجو در فضای مجازی و یافتن شرکری برای سرقت، وارد خانه آنها شد، اما تصور نمی‌کرد این شرگرد مرگ مادر بزرگش را رقم بزند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، دوم آذر، گزارش مرگ زنی ۷۵ ساله در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. به دنبال اعلام این گزارش، تحقیقات به دستور محمدجواد شفیعی آغاز شد. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که زن سالخورده به‌خاطر مسمومیت فوت کرده و همسر او نیز به‌همین دلیل در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری و بی‌هوش است.

او برایمان غذا آورد که به همسرم گفتم من به پژمان اعتماد ندارم و غذایی را که آورده نخوریم. اما او گفت اشتباه می‌کنم غذا را خوردیم در عین حال به‌خاطر ترسم سعی کردم غذای کمتری بخورم و همین مسأله باعث شد زنده بمانم. در ادامه بررسی‌های نیز مشخص شد که پژمان به ماده مخدر گل اعتیاد دارد و به لحاظ مالی هم در وضعیت مناسبی نیست. همه مستندات تیم تحقیق را

## مادر بزرگ

## قربانی عشق نوه به پراید

#### ردپای یک آشنا

در ادامه تحقیقات یکی از فرزندان مقتول گفت: پدر و مادرم به تنهایی زندگی می‌کردند و به‌همین خاطر هر روز از طریق تلفن جویای احوالشان می‌شدم. اما روز گذشته چندین بار با منزل شان تماس گرفتم که پاسخی ندادند و همین موضوع موجب نگرانی‌ام شد و به خانه‌شان رفتم. به محض ورود به خانه، متوجه بهم ریختگی شدم و پدر و مادرم را بی‌هوش داخل پذیرایی دیدم. بعد هم با اورژانس تماس گرفتم و آنها را به بیمارستان منتقل کردیم اما مادرم حدود ۲۴ ساعت بعد فوت کرد. بناوجه به سالم بودن قفل در ورودی و مسمومیت زوج سالخورده، بازپرس شعبه پنجم دادرسی امور جنایی تهران احتمال داد که عامل یا عاملان این پرونده از آشنایان این زوج بوده‌اند. بدین ترتیب تیم تحقیقات، بررسی‌های خود را روی افراد آشنا متمرکز کردند و در تحقیق از فرزندان پیرزن، یکی از آنها گفت: به پژمان، پسر برادرم مشکوک هستم اما مطمئن نیستم که او این کار را انجام داده باشد. ۵ سال قبل، برادرم از همسرش جدا شد و پسرش با همسر سابق برادرم زندگی می‌کند. برادرم هم به ترکیه رفت و ساکن آنجاست. چند روز قبل برادرم رنگ زرد و از من خواست که برای پژمان پول واریز کنم. می‌گفت می‌خواهد به دیدن پدر و مادرم برود و پول ندارد من هم ۲۰۰ هزار تومان به حساب پژمان واریز کردم. در حالی که تحقیقات در این خصوص ادامه داشت، پیرمرد در بیمارستان به هوش آمد. او نیز انگشت اتهام را به سمت نوه ۲۵ ساله‌اش گرفت و گفت: پژمان یکبار دیگر هم می‌خواست من و همسرم را بی‌هوش کند. او غذای مسموم آورده بود تا ما بی‌هوش شویم اما چون مقدار داروها کم بود، فقط حاملان بد شد و اتفاق دیگری برایمان رخ نداد. به همین دلیل در این مورد به کسی حرفی نزدیم. روز حادثه هم

مجباب کرد که پژمان را بازداشت کنند. او پس از دستگیری منکر هرگونه ارتباط با ماجرای قتل مادر بزرگش شد ولی در نهایت وقتی در مقابل مستندات و مدارک موجود در پرونده قرار گرفت به قتل ناخواسته مادر بزرگش اعتراف کرد. با اعتراف پسر جوان، او را اختیار کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت و بررسی‌ها در این خصوص ادامه دارد.

#### گفت‌وگو با متهم

**چه شد که تصمیم به چنین کاری گرفتی؟** من عاشق پراید ۱۱۱ هستم. همیشه دلم می‌خواست که این ماشین را داشته باشم اما توانایی مالی‌ام در آن حد نبود. برای همین تصمیم گرفتم این آرزویم را برآورده کنم. **با قتل؟** نمی‌خواستم کسی کشته شود. فقط می‌خواستم بی‌هوش شوند. مادر بزرگم یک تابلوفرش نفیس ابریشمی داشت که قیمتش ۴۰۰ میلیون تومان بود. همیشه با خودم می‌گفتم اگر این تابلو برای من باشد، می‌توانم همه آرزوهایم را برآورده کنم. برای همین نقشه سرقت تابلو را کشیدم. اولین بار، می‌خواستم بدون بی‌هوشی این کار را انجام دهم، اما جست‌وجو داخل اتاق‌ها و کمد‌ها برای یافتن تابلوفرش، کاری پر سر و صدا بود و آنها متوجه می‌شدند. برای همین نقشه‌ام را نصف کاره رها کردم. بار دوم داخل غذا داروی بی‌هوشی ریختم، اما مقدارش کم بود و آنها تنها حالشان بد شد. بار سوم هم این اتفاق افتاد.

**ایده این جنایت چطور به ذهنت رسید؟** داخل اینترنت شیوه‌های سرقت را جست و جو کردم. در میان شیوه‌هایی که دیدم، سرقت به شیوه بی‌هوشی برای من به درد بخورتر بود. به همین دلیل تصمیم گرفتم با این شیوه آنها را بی‌هوش کنم و نقشه سرقت را اجرا کنم.

**روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟** ساعت ۹ صبح بود که از خانه

خارج شدم و قرض‌های بی‌هوشی را که تهیه کرده بودم، داخل مقداری آب جوش که از یک دکه خریده بودم، ریختم. با مترو به سمت خانه مادر بزرگم رفتم و حدود ساعت ۱۱ و نیم بود که از نزدیکی خانه آنها کباب و دوغ خریداری کردم. آن روز پدر بزرگم بی‌حوصله بود و از طرفی مادر بزرگم هم بیمار بود و حال خوبی نداشت. ساعت حدود ۲ بعد از ظهر بود که غذا خوردیم و وقتی آنها



بی‌هوش شدند به جست و جو برای پیدا کردن تابلوفرش خانه را ریز و رو کردم اما هیچ خبری از تابلو فرش نبود. **تابلوفرش کجا بود؟** بعداً متوجه شدم که یکی از عمه‌هایم آن را به خانه‌اش برده است. من به خاطر هیچ مرتکب جنایت شدم. هرچند واقعاً قصدم قتل نبود و حتی آن زمان که خانه را جست و جو می‌کردم مدام می‌ترسیدم پدر بزرگ و مادر بزرگم به هوش بیایند و مرا ببینند. به همین دلیل خیلی زود خانه را ترک کردم.

**زمانی که عمه‌ات به خانه می‌آید، از غذا خبری نبود.** قبل از ترک خانه غذاها را با خودم بردم.

**بعد از این ماجرا به خانه آنها رفتی؟** آن روز نه، فکرمی کردم که بعد از ساعتی به هوش بیایند. اما بعد که فهمیدم آنها را به بیمارستان برده‌اند، برای دیدن آنها رفتم و حتی در مراسم ختم مادر بزرگم هم شرکت کردم.

**اعتیاد داری؟** مدت‌هاست گل می‌کشم اما چند وقتی است که ترک کرده‌ام.

## قاتلی که شب تولدش مرتکب جنایت شد

**گروه حوادث /** رسیدگی به پرونده جوانی که در حین سستی برادرزنش را به قتل رسانده بود در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال گذشته با گزارش درگیری مرگبار میان دو جوان در یکی از مناطق تهران آغاز شد و مأموران پس از حضور در محل با جسد خون آلود جوانی به‌نام فریبرز مواجه شدند و ضارب را که شوهر خواهر مقتول بود به اتهام قتل باداشت کردند.

بابک پس از دستگیری به قتل فریبرز اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: امشب شب تولدم بود و به‌همین مناسبت پدرزنم در خانه‌اش جشنی برپا کرده بود و من و فریبرز هم مقدار زیادی مشروبات الکلی مصرف کردیم به حدی که هردو مست شدیم. یک

ساعت از جشن تولدم نگذشته بود که با برادرزنم بحث‌مان شد و من برای اینکه باهم درگیری پیدا نکنیم با همسرم به خانه خودمان آمدم اما فریبرز کوتاه نمی‌آمد و او هم دقایقی بعد به خانه ما آمد و با داد و فریاد تلاش می‌کرد که با من درگیر شود حتی چندین بار گفت که امشب می‌خواهم با تو تسویه حساب کنم و تا تو را زنم از اینجانی رم. همان موقع من دوباره به سراغش رفتم و باهم دقایقی درگیر شدیم و باز برای اینکه دعوا ادامه پیدا نکند من به اتاق خوابم رفتم و در را بسته‌ام

فریبرز شیشه‌های خانه ما را شکست و با داد و فریاد می‌خواست تا از اتاق بیرون بیایم. اما من توجهی نمی‌کردم تا اینکه همسر ام پشت در اتاق گفت که فریبرز قصد دارد خودزنی کند. به‌همین خاطر از اتاق بیرون آمدم تا مانع

کارش شوم. اما وقتی از اتاق به‌سمتش رفتم دیدم تکه‌ای شیشه برداشته و به سمتم می‌آید که من هم قاپوئی برداشتم و چند ضربه به او زدم و او فوت کرد. با اعترافات متهم و تکمیل تحقیقات، کیفرخواست متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای این جلسه که صبح روز گذشته برگزار شد اولیای دم درخواست قصاص کردند و پس از آن متهم به جایگاه رفت و گفت: من اتهام قتل را قبول دارم. اما عمدی در کارم نبوده. من آن شب خیلی تلاش کردم که با او درگیر نشوم اما او اصرار به درگیری داشت. من چاقو را برای ترساندن او برداشتم می‌خواستم به هرنحوی او را آرام کنم اما او مدام فحاشی

## اعدام

### دومین قتل پسر مهلبادی

**گروه حوادث /** حکم قصاص دومین نفر از قاتلان صادق برمکی جوان ۱۶ ساله مهلبادی صبح روز چهارشنبه اجرا شد.

به گزارش ایرنا، اصلاان حیدری دادستان عمومی و انقلاب اسلامی مهلباد گفت: حکم قصاص دومین متهم پرونده در زندان میاندوآب اجرا شد. ضمن اینکه حکم اولین متهم این پرونده روز دوشنبه هفته جاری در زندان مهلباد اجرا شده بود.

دادستان عمومی و انقلاب مهلباد اضافه کرد: در ارتباط با پرونده قتل این جوان مهلبادی سه نفر به حکم قصاص و فرد چهارم نیز به دلیل معاونت در این قتل به ۱۰ سال زندان محکوم شده است. گفتنی است سومین متهم این پرونده نیز فروردین‌ماه سال جاری در زندان میاندوآب دست به خودکشی زده بود. شهرومراه سال ۱۳۹۶ «صادق برمکی» با مشارکت و همدستی چهار نفر از دوستان خود به طور فجیع کشته و پس از سوزاندن جنازه با او عکس سلفی گرفته بودند. با تلاش پلیس آگاهی، دادستانی و بازپرس پرونده، قاتلانی که در قتل این جوان مشارکت داشتند در کمتر از ۲۴ ساعت شناسایی و دستگیر شده و پرونده آنان به‌صورت ویژه در کمترین زمان ممکن مورد رسیدگی قرار گرفته بود.



## دستگیری ۱۸ عضو یک شرکت هرمی در پایتخت

به شرکت‌های هرمی، دو دستگاه رایانه و دو دستگاه لپ‌تاپ کشف شد. متهمان پس از انتقال به کلانتری ۲۰۹ پایانه غرب در بازجویی اعتراف کردند ساکن شهرهای استان‌های غربی کشور هستند که برای اشتغال و کسب درآمد به تهران مسافرت کرده‌اند. بعد از مدتی با این شرکت هرمی آشنا شده و هر آنچه پس‌انداز داشته را به امید پولدار شدن و سود در شرکت هرمی سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ با بیان اینکه کارشناسان ارزش ریالی کلاهبرداری شده از این افراد را بیش از ۲۰ میلیارد نامحسوس قرار گرفت. در ادامه مشخص شد بیشتری از فرزندان‌شان داشته باشند و به درخواست فرزندان‌شان مبنی بر واریز مبالغ فراوانی وجه برای اسکان و ضمانت، هوشیارتر عمل کنند. متهمان پس از تکمیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل دادسرا شدند.

**گروه حوادث /** ۱۸ پسر و مرد جوان که به قصد کار و مال‌اندوزی بیشتر راهی پایتخت شده و با راه‌اندازی شرکتی هرمی حدود ۲ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری کرده بودند دستگیر شدند.

به گزارش حوادث «ایران»، به دنبال گزارش‌های مردمی درخصوص رفت و آمد مشکوک چندین جوان به خانه‌ای در منطقه رودکی، بررسی موضوع و شناسایی هویت این افراد در دستور کار مأموران کلانتری ۲۰۹ پایانه غرب قرار گرفت.

در بررسی‌های اولیه مأموران کلانتری دریافتند که اطلاعات مردمی صحیح است و بدین ترتیب با هماهنگی قضایی خانه مورد نظر، تحت مراقبت نامحسوس قرار گرفت. در ادامه مشخص شد تعدادی جوان با اجاره خانه در قالب اعضای یک باند شرکت هرمی در حال فعالیت هستند. بر ملا شدن این موضوع، مأموران کلانتری وارد عمل شده و ۱۸ عضو شرکت هرمی را دستگیر کردند. در بازرسی از خانه مورد نظر جزوات آموزشی مربوط

## پزشک قلابی در البرز بازداشت شد



استان البرز در این باره گفت: در ادامه مأموران محل کار این فرد را در منطقه عظیمیه کرج شناسایی و زمانی که در حال ویزیت یک بیمار بود دستگیر شد. وی افزود: متهم دارای سابقه کلاهبرداری است و در گذشته نیز به جرم جعل عنوان دندانپزشک دستگیر و پس از گذراندن دوران محکومیت خود از زندان آزاد شده بود. وی تاکنون اقدام به درمان ۳۰۰ نفر از شهروندان کرده و تاکنون ۳۰ نفر از شاکیان او شناسایی شده‌اند. وی با توصیه به شهروندان برای مراجعه به مراکز معتبر پزشکی و دارای مجوز از وزارت بهداشت و درمان جهت انجام امور تخصصی پزشکی، از افرادی که به این شیوه مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند خواست تا برای اعلام شکایت و تشکیل پرونده به پلیس آگاهی استان در میدان طالقانی ابتدای بلوار تعاون مراجعه کنند.

**گروه حوادث /** پزشک قلابی که با جعل مدارک متخصص زیبایی فعالیت می‌کرد، توسط پلیس آگاهی البرز دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، در پی دریافت گزارش‌هایی مبنی بر اینکه شخصی با جعل کارت و گواهی نظام پزشکی، خود را به‌عنوان پزشک متخصص زیبایی معرفی و در تعدادی از مطب‌های سطح شهر اقدام به ویزیت بیماران می‌کند، موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار پایگاه یکم پلیس آگاهی البرز قرار گرفت و مأموران در تحقیقات اولیه با استعمال مدارک پزشکی متهم از صحت اخبار و جعلی بودن مدارک او مطمئن و متوجه شدند که متهم با همین مدارک جعلی در چندین درمانگاه و مطب اقدام به درمان بیماران پوستی می‌کند. سرهنگ محمد نادریبگی رئیس پلیس آگاهی